

# راهنمای مکتوب‌شناسی نسخه‌های خطی عربی

نسرین افضل نژاد

پارشمن<sup>۴</sup> رونویسی شده‌اند.

تمام اوراق یک شیوه ساخت دارند؛ یعنی دورتادور روی صفحه پارشمن حاشیه‌بندی شده و اطراف پشت صفحه هم از کرک یا پشم است. لیکن متأسفانه هنوز مبدأ و چگونگی شکل‌گیری چنین نسخی مشخص نیست.

به عقیده نگارنده، هدف از طرح مقوله مکتوب‌شناسی، نهایتاً تجزیه و تحلیل مجموعه فنون به کار گرفته شده در ساخت نسخ خطی است.

یکی از روش‌هایی که متخصصان نسخ خطی در طی سالیان متمادی برای احیای خطوط محو شده به کار گرفته‌اند، استفاده از تکنیک‌های فیزیکی و شیمیایی است. مانند شناسایی حیوانی که پوستش برای پارشمن استفاده می‌شد یا شناسایی قدمت پارشمن، تجزیه و تحلیل مواد سازنده کاغذ و یا شناسایی رنگدانه‌ها و مواد رنگ‌زا که مورد استفاده کاتبان و تذهیب‌کاران بوده است.

امروزه شیوه‌های مورد استفاده به سرعت متحول گشته و بیش از پیش سهل و آسان شده‌اند.

از قرن ۱۹ میلادی به بعد، برای احیای مجدد خطوط مخدوش و محو شده، از معرف‌های شیمیایی استفاده می‌کردند، ولی امروزه این

۱. اولین کتاب پوستی تاریخ که به وسیله ماده‌ای چسبناک، صفحات پوستی سفید شده را به هم می‌چسباندند و آن را به شکل کتاب در می‌آوردند.

۲. ولومان نام طوماری بوده که به صورت افقی باز می‌شده است.

۳. روتولوس به طوماری که از جهت عمودی باز می‌شد، می‌گفتند.

۴. پارشمن اوراقی پوستی بوده‌اند که از حیواناتی که پوست نازک‌تری داشتند، مانند گوسفند و بز و ... تهیه می‌شد. در مقابل به اوراقی که از حیواناتی که پوستی کلفت‌تری داشتند، مانند گاو، درست می‌شد، «ولوم» می‌گفتند.

کتاب راهنمای مکتوب‌شناسی نسخ خطی عربی، تألیف فرانسوا دروش، با همکاری چند تن، از جمله دکتر محمد عیسی والی، رئیس بخش نسخ خطی فارسی و ترکی کتابخانه موزه بریتانیا در لندن تهیه و از طرف بنیاد ماکس ون برکم (Max Van Berchem) به کتابخانه ملی فرانسه اهدا شده است. این کتاب که به زبان فرانسه و چاپ کتابخانه ملی فرانسه در سال ۲۰۰۰ میلادی می‌باشد، مشتمل است بر یک دیباچه، یک پیش‌گفتار، جدول تبدیل حروف عربی به فرانسه، مقدمه و یازده فصل.

در قسمت مقدمه، نویسنده به توضیح جایگاه علم مکتوب‌شناسی نسخ خطی، روش‌ها و محدوده این دانش پرداخته است.

در بخش مقدمه می‌خوانیم که تمامی نسخ خطی موجود به صورت کُدکس<sup>۱</sup> (Codex) نبوده‌اند؛ بلکه به صورت ولومان<sup>۲</sup> (Volumen) و روتولوس<sup>۳</sup> (Rotulus) نیز تهیه می‌شدند. ضمناً در مورد طوماری موسوم به «تورا» هم صحبت شده و این‌که حضرت محمد ﷺ وحی‌های الهی را در کُدکس می‌نگاشتند که در آن عصر بسیار رایج بوده است.

نوع دیگر کتاب، کتاب‌های آکاردئونی شکل هستند که شکل اولیه آلبوم‌های امروزی بوده‌اند. بدین صورت که تصاویر مینیاتوری و نیز خطوط خوشنویسی شده را بر روی صفحات مقوایی می‌چسبانند و پس به صورت کتابی آکاردئونی شکل در می‌آوردند.

نسخ خطی «این-پلانو» (In-Plano) بدین صورت بوده که هر ورق به ورق کناری چسبانده می‌شد و بر خلاف نسخ آکاردئونی، بین نسخ تاشدگی وجود نداشت. به خصوص در قرون کهن در سرزمین‌های اسلامی از این شکل نسخ استفاده می‌شد؛ زیرا از بین نسخ خطی که از آن دوران در دست است، فقط نمونه‌های اندکی روی

کار با استفاده از اشعه ماورای بنفش انجام می‌گیرد. ابتدا این تکنیک جدید در مورد متونی که ناخوانا بوده و یا با جوهر خاصی نسخه برداری شده‌اند، نتایج بهتری در بردارد.

از دیگر تکنیک‌ها می‌توان از اشعه مادون قرمز نام برد که به خصوص برای شناسایی و بررسی نسخ نقاشی شده بر روی پارشمن استفاده می‌شود. به هر حال روشی که خواندن متون ناخوانا و مخدوش را تا حد زیادی میسر می‌سازد، عکس برداری از فاصله بسیار نزدیک از این متون می‌باشد.

با وجود این تعیین دقیق حوزه جغرافیایی علم مکتوب‌شناسی غیر ممکن است، چرا که این نسخ خطی که ما می‌بایست آنها را مورد توجه و مذاقه قرار دهیم، در واقع در سرزمین‌هایی بین دریای آتلانتیک و دریای چین و نیز سرزمین‌هایی بین تنگه «زان زیبار» و رودهای ولگا، به طور پراکنده رونویسی شده‌اند.

در نتیجه در اختیار داشتن تنها یک مرجع و منبع، راجع به دین اسلام برای امر تحقیق، زیاد رضایت بخش نیست.

لازمه این تحقیق جدا کردن نسخ خطی از یکدیگر است؛ نسخی که توسط اعضای دیگر انجمن‌های مذهبی رونویسی شده است. هر چند تضاد موجود بین نسخ خطی آن در خور توجه نیست؛ زیرا آن تعداد نسخ خطی که با شیوه‌ای دقیق شناسایی شده‌اند، در مقابل ده‌ها هزار نسخه‌ای که در مورد مبحث قلمرو علم مکتوب‌شناسی چاپ شده‌اند، ناچیز و جزئی است.

## فصل اول

در طول تاریخ، بشر از مواد گوناگونی، همچون مواد گیاهی، حیوانی و سنگ‌های معدنی برای نوشتن استفاده می‌کرد. در دوران اسلامی، مسلمانان، برای ساخت کتاب‌های دستنویس که به شکل کدکس بوده‌اند، از پایروس، پارشمن و کاغذ استفاده می‌کردند.

در واقع پس از گذشت قرون متمادی، آثار نسخه‌های خطی اندکی از جنس پایروس و به زبان عربی موجود است و بدین جهت در مورد تاریخچه کتبی که به زبان عربی است، فقط می‌توان یک بررسی اجمالی کرد.

استفاده از پایروس، اوایل دوران ظهور دین اسلام، و همزمان در فلسطین، بین النهرین و سوریه رواج یافت.

در زبان عربی، پایروس را «قرطاس»، «ورق القصب» به معنی ورق از جنس نی و «ورق البردی الأبردی» که همان معنی پایروس را می‌دهد، می‌گفتند. البته استفاده از پایروس برای عرب زبانان به قبل از ظهور دین اسلام بر می‌گردد و شیوه ساخت پایروس در دوران اسلامی، همانند عهد باستان بوده است که در آن عهد به آن طومار و در

زبان مصری توماریون (Tomarion) می‌گفتند.

دو قطعه نسخه خطی از جنس پایروس که با وجود احتمال پوسیدگی، به خوبی نگهداری شده‌اند و راهنمای خوبی برای امر تحقیق است، یکی در هیدلبرگ - Heidelberg - و دیگری در «دارلکتب، حدیث» قاهره موجود می‌باشند.

پارشمن از همان اوایل ظهور اسلام و به طور همزمان در تمام قلمروهای اسلامی کاربرد داشته است. مؤید این مطلب، قطعات به جامانده از قرآنی است به سبک حجازی، دو جلد قرآنی که در پایان قرن دوم و یا نهم، احتمالاً در ایران نسخه برداری شده، نشانگر این است که پارشمن در منطقه‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفت که کاغذ در آنجا بیش از یک قرن موجود و در دسترس بوده است. تا قبل از شناختن کاغذ، پارشمن در کنار پایروس مورد استفاده بود و جایگاه ممتاز و ویژه‌ای نزد اعراب داشته و به آن «دق، دیق و جلد» می‌گفتند.

## فصل دوم: انواع کاغذ

ابداع کاغذ به پنج قرن قبل از ظهور اسلام یعنی به قرن دوم میلادی باز می‌گردد و منشأ آن کشور چین بوده است که ابتدا با تلفیق پارچه‌های کهنه، تورهای ماهی‌گیری و مواد دیگر آن را می‌ساختند.

جنس دیگر کاغذ از جنس ابریشم بود که به آن کاغذهای حریری می‌گفتند. نوع دیگر کاغذ، ورق‌هایی بوده که دارای نقوش و رگه‌هایی از طلا یا نقره بوده است و ساخت آن از مغرب زمین یعنی از کشور ایتالیا و از سال ۱۲۶۴ میلادی گسترش یافت. «کاغذهای مخصوص» انواع دیگری از کاغذ بودند که برای نسخ خطی به کار می‌رفتند؛ مانند کاغذهایی که کمی رنگی و غالباً زرد رنگ بودند. در ایران قدیم، قرن نهم و پانزدهم میلادی، دوران طلایی کاغذهای رنگی و مزین بوده است. انواع دیگری از کاغذهای مخصوص که در ایران به سال ۱۴۶۰ میلادی پدید آمد، کاغذهای سایه‌نما، رگه دار، خالدار و یا مزین شده با ذره‌هایی طلایی بودند.

## فصل سوم: دفاتر نسخ خطی

«کدکس» که به آن کتاب پوستی هم می‌گفتند، شکل اولیه کتب امروزی است. دفترچه‌های اولیه، که یا از جنس پارشمن بودند و یا از جنس کاغذ، به شکل دفاتری دو ورقه‌ای بوده‌اند؛ لیکن در مورد چگونگی شکل‌گیری این نوع دفتر که بعدها به دفترهای چهار ورقی

۱. کاغذ در قرن هفتم میلادی به ژاپن رفت و در قرن هشتم به سمرقند (آسیای صغیر) و سپس به ایران آمد. در سمرقند به علت وجود درخت‌های فراوان و آب، کاغذهای بسیار خوب و مرغوبی به وجود آمد. سپس در قرن دهم میلادی از طریق بغداد و سوریه به مصر و مدیترانه رفت.

و هشت ورقی نیز تبدیل شدند، اطلاعات اندکی موجود است.

دانشمندان قرون وسطی به خوبی به اهمیت یک نظارت دقیق و همه جانبه بر وضعیت و چگونگی شکل‌گیری دفاتر نسخ خطی واقف بودند. به همین سبب امروزه، مکتوب شناس هنگام مطالعه و بررسی یک نسخه خطی، با دقت و وسواس، ترکیب و ساخت دفاتر را زیر نظر می‌گیرد. یک ناهمگونی در متن می‌تواند علامت و نشانه‌ای باشد بر فقدان یک بخش از مطلب، یا جابه جایی مطالب و یا نقص در ضمایمی که به متن افزوده شده است. همان طور که گفتیم نوع دیگری از دفاتر نسخ خطی از جنس پارشمن بوده‌اند، از جمله چند جلد نسخه خطی قرآنی که از قدیمی‌ترین نسخ خطی عربی محسوب می‌شود و مربوط است به نیمه دوم قرن اول و قرن هفتم که به شیوه «حجازی» نگارش شده است. در قلمروهای اسلامی مغرب زمین، سال‌های متمادی و طولانی یعنی از قرن ۸ تا ۱۴ میلادی (و یا ۹ تا ۱۵ م) از پارشمن در کنار کاغذ استفاده می‌کردند به خصوص برای رونویسی قرآن. نوع دیگری از دفاتر هم وجود داشته به نام دفاتر ممزوج که از ترکیب پارشمن و کاغذ، ساخته می‌شده است. و بالاخره دفاتر کاغذی که آخرین نوع از دفاتر نسخ خطی بوده است.

بعضی اوقات دفاتری هم درست می‌کردند که انواع گوناگونی که ذکرشان گذشت، در یک مجموعه گردآوری می‌شد. هر چند این نوع دفاتر بسیار کم یاب و نادر بود، ولی برای مثال می‌توان از «کشاف الأسرار فی شارح اصول» از الیزدای از تاشکند یاد کرد که از این نمونه‌های نادر بود. در ایران دفاتری که برای نسخ خطی استفاده می‌شد، عموماً هشت برگی بود و تعداد کمی هم نسخ خطی نقاشی شده ۶ برگی وجود داشته است.

## شماره گذاری نسخ خطی

اولین روش شماره گذاری نسخ خطی، استفاده از علائم و نشانه‌ها بوده است. البته لازم به ذکر است که آن تعداد نسخ خطی قرآنی که بر روی پارشمن نوشته شده، هیچ نوع شماره گذاری ندارد. ولی نسخ خطی دیگر فقط در طرف روی هر صفحه در قسمت بالا با حروف ابجد شماره گذاری شده‌اند. این روش از قرن ششم تا پایان قرن دوازدهم میلادی اعمال می‌شد. با این وجود از نیمه دوم قرن پنجم تا قرن یازدهم میلادی، شیوه شماره گذاری، عددی ولی با حروف یعنی، «الاول، الثانی و...» به سرعت رواج یافت و بیشتر مورد استفاده قرار گرفت. شماره گذاری نسخ خطی به طور اصولی در دو گروه از نسخ که منشأ آن در مصر بود، آموزش داده شد. یک گروه موسوم به نسخ خطی سینیایی و دیگری نسخ مربوط به صومعه سن ما کر (Saint Macaire). شماره گذاری نسخ خطی سینیایی به عربی و نسخ سن ما کر با حروف

مربوط به مسیحیان مصری بوده است.

شیوه شماره گذاری دیگری که بسیار هم نادر بوده و برای نسخ خطی قدیمی‌تر مورد استفاده قرار می‌گرفت، شیوه فولیوتسیون (Foliotation) نام دارد. یعنی فقط هر ورق یک شماره داشته و مانند امروزه هر صفحه برای خودش شماره نداشته است. نمونه این شماره گذاری را در یک نسخه خطی که شامل مجموعه‌ای از رسائل ریاضیات است، و به سال ۳۵۸ هجری (۹۶۹ م) کتابت شده است، به حروف ابجد در کتابخانه ملی فرانسه مشاهده می‌کنیم.

## فصل چهارم: اسباب و ادوات تهیه کتاب

منابع مشرق زمین در مورد کیفیت اسباب و ادوات بسیار گوناگون - که صنعت‌گران در زمان‌های بسیار قدیم برای تهیه کتاب استفاده می‌کردند - اخبار و اطلاعات جامعی در اختیار مکتوب شناسان قرار داده‌اند.

رونویسان و خوشنویسان، تعلق خاصی نسبت به استفاده از قلم و جوهر داشته‌اند؛ «قلم» نزد مسلمانان جایگاه خاصی دارد؛ کما این که در قرآن نیز سوره‌ای به همین نام وجود دارد.

درباره این وسیله، نظریه‌های فلسفی و دینی وجود دارد و با وجودی که خارج از بحث مکتوب‌شناسی است، لیکن می‌توان در مورد فرهنگ رونویسان و خوشنویسان مسلمان به نتیجه گیری ارزشمندی رسید.

در این فصل در مورد ساخت و جنس قلم استفاده می‌کردند. ولی برای رونویسی بر روی پایپروس از نی و بیشتر اوقات از قلم مو بهره می‌بردند. قلمی که در مراکش استفاده می‌شد، با قلم‌های رایج بسیار متفاوت بود و در ترکیه نیز برای متون بسیار طولانی از قلم‌هایی استفاده می‌کردند که از گیاهی به نام «جاوا» درست می‌شد. ولی آنچه مسلم است، این که نوک قلم‌ها یا مانند مدادهای امروزی نوک تیز بوده، یا کاملاً صاف و یا مانند قلم‌های امروزی به صورت مورب تراشیده می‌شدند.

هنر تذهیب در نسخ خطی عربی، بیانگر این امکان است که اعراب به جز قلم از وسیله دیگری نیز برای نگارش استفاده می‌کردند. قلم فلزی، نوع دیگری از قلم بوده که برای نوشتن استفاده می‌شد؛ مانند نسخه‌ای از «ابن بادیس» که با قلم فلزی نوشته شده است. وسیله دیگری که متن مشهور «قاضی النعمان» با آن نوشته شده، قلمی است از جنس طلا. وسیله دیگری که رونویسان از آن استفاده می‌کردند چاقویی بوده که در اصطلاح اعراب به آن «سکین یا سکنیه» می‌گفتند و با آن ورقه‌های فولادی مقاوم و یا نوک قلم‌های نیری را می‌بریدند.

«دوات» یا «محرره» ابزار دیگری برای کار رونویسان بود که درون آن را با نخ (لیقه) و جوهر پر می‌کردند. به جهت این که قلم به اندازه مناسب مرکب به خود جذب کند و نیز برای یک دست شدن ترکیب جوهر و لیقه، تکه چوبی به نام «ملواق» بالای ظرف دوات

می‌گذاشتند و خوب تکان می‌دادند.

الزبیدی در *حکمة الاشراف* *إلى کتاب الآفاق*، در این باره، چنین توصیه می‌کند: در هیچ شرایطی، شکل دوات نباید چهار گوش باشد؛ زیرا در این صورت جوهر در ظرف پهن می‌شود، ولی در صورتی که دوات گرد باشد جوهر در آن سالم‌تر می‌ماند و هنگام لرزش قلم بر روی کاغذ مفیدتر است. «نقاشان و تذهیب‌کاران غالباً از قلم‌مویی استفاده می‌کردند که از کرک و پشم حیوانات درست شده بود؛ البته گاهی هم از قلم‌موی نی استفاده می‌کردند.

همراه با قلم، جوهر نیز جایگاه خاص و ویژه‌ای در فرهنگ سنتی اصحاب قلم داشته است. که امروزه ما از بسیاری از تجارب آن‌ها به عنوان منابعی جهت طرز تهیه جوهر استفاده می‌کنیم؛ هر چند ترکیبات آن با قدیم بسیار متفاوت است. مرکب در فرهنگ دستورشناسی دوران اسلامی قرون وسطی جایگاه مهمی دارد و مسلمانان دو نوع مرکب را به خوبی می‌شناختند: یک نوع مرکب که از شکل اولیه کربن می‌ساختند (که امروزه به آن مداد می‌گویند) و نوع دیگر که آمیزه‌ای بود از گرد تانن (گرد سفید رنگ مایل به زرد تیره) و نوعی نمک براق که به آن «جبر» می‌گفتند. نوع دیگری از مرکب که در زمان‌های بسیار قدیم استفاده می‌شد، مرکب رنگی است که اولین بار قبل از ظهور اسلام به وجود آمد و به رنگ قرمز بود. آن زمان هم مانند بعضی از متون امروزی برای نوشتن سرفصل‌ها از جوهر رنگی استفاده می‌کردند. از این نوع جوهر در یک نسخه قرآن به سبک حجازی برای نوشتن عناوین سوره‌ها استفاده شده است. بعدها جوهرهایی به رنگ سبز، زرد و قهوه‌ای هم اضافه شد که یا از گیاهان و یا در اثر ترکیبات فیزیکی و شیمیایی درست می‌شد و غالباً هم برای نقطه‌گذاری متون و یا خط‌کشیدن زیر بعضی جملات به کار می‌رفت. در دوران بسیار قدیم به جز جوهر قرمز رنگ از جوهرهای طلایی و به ندرت نیز نقره‌ای استفاده می‌شد.

در این فصل هم چنین به نوع مواد تشکیل‌دهنده رنگ‌هایی که برای نگارش نسخ خطی در مراکش از قرن ششم تا دوازدهم و از قرن نهم تا پانزدهم مورد استفاده بوده، پرداخته شده و توضیحاتی نیز درباره عناصر شناسایی و تفکیک این مواد داده است. به هر حال برای یافتن پاسخ سؤال‌هایی که در این مورد مطرح است، به نسخ خطی مختلفی رجوع نموده و به آنها استناد شده است. مانند نسخ گوناگونی از قرآن همچون نسخه خطی مواطه، کتاب ابن تومارت و نسخه خطی جغرافیایی ابن ادریسی.

به طور کلی چهار رنگ اصلی به کار رفته در متون، یعنی قرمز، آبی، سبز و زرد، هر کدام برای هدف خاصی از جمله انواع نقطه‌گذاری‌ها چون ویرگول و ... استفاده می‌شد. از رنگ سفید هم البته در موارد بسیار نادر استفاده می‌کردند و کلاً مواد رنگی برای تزئین نسخ خطی به کار می‌رفت.

### فصل پنجم: چگونگی خط‌کشی و صفحه‌بندی نسخ

با کاوش و تحقیقی که روی این خطوط، به خصوص خطوط منقوش و نسخ خطی منسوب به مراکش، صورت گرفته، محققان به وجود وسیله‌ای به نام «مسطره» پی بردند که رونویسان قدیم برای ترسیم خطوط بر روی نسخ خطی که البته فقط از جنس کاغذ بوده، از این وسیله استفاده می‌کردند. «مسطره» که در اندازه‌های متنوع ساخته می‌شد، به شکل صفحه‌ای از جنس چوب یا مقوا بود که روی آن بندهایی با ضخامت‌های گوناگون کشیده شده بود.

در مورد شیوه صفحه‌بندی نسخ خطی به نوشته‌ای از «القللوسی» ادیب آندلسی نیمه دوم قرن هفت اشاره می‌کنیم؛ وی می‌گوید: «در نسخ خطی کاغذ از سمت بالا تا می‌خورد. این تا خوردگی برای نشان دادن حاشیه داخلی ورق مفید است. اندازه این حاشیه، به وسیله نشانی که در اثر فشار پرگار بر پایین کاغذ به وجود آمده، مشخص می‌شد.» در مورد شیوه صفحه‌بندی نسخ خطی، نظرات گوناگونی ارائه شده است. هر چند تحقیقات چندانی صورت نگرفته، لیکن نتایج حاصله از این تحقیقات، نشانگر وجود سه اندازه از صفحه‌بندی نسخ یعنی:  $۱۶ \times ۲۵/۵$  سانتی‌متر،  $۲۵ \times ۳۵$  سانتی‌متر،  $۳۱ \times ۴۴/۵$  سانتی‌متر می‌باشد. در قرون وسطی، رونویسان مغرب زمین برای نگارش نسخ خطی با طرز استفاده وسایلی شبیه پرگار و خط‌کش آشنایی داشته‌اند و در نتیجه کم‌کم به واحدهای اندازه‌گیری نیز آگاهی پیدا کردند.

کیفیت اکثر نسخ خطی قدیمی عربی از جمله نسخ قرآنی به سبک حجازی (مربوط به نیمه دوم قرن اول و پایان قرن هفتم) بیانگر این مطلب است که رونویسان اولیه ترجیح می‌دادند برای نگارش نسخ از خطوط کشیده استفاده کنند.

شیوه نگارش دیگری که مورد استفاده شعرای قدیم قرار می‌گرفت، بدین ترتیب بود که شعرهای خود را به صورت دو ستون عمودی می‌نوشتند؛ به خصوص در قلمرو فرهنگ فارسی، شعرای فارسی زبان، سروده‌های خویش را در یک کادر جدول‌بندی شده می‌نوشتند. این‌گونه به نظر می‌رسد که این تقسیم‌بندی برای تأکید و تأمل بر روی قسمت‌های گوناگون شعر صورت می‌گرفته است.

### فصل ششم: شیوه ساخت کتاب

به نظر می‌رسد که پی بردن به چگونگی شیوه کار صنعتگران کتاب به علت نامشخص بودن هویت این افراد و نیز زمان و مکان انجام این کار دشوار باشد؛ زیرا که همواره به نمونه‌هایی استناد شده که یا از منابع ادبی اقتباس شده‌اند و یا به طور تصادفی از لابه لای اسناد

از این دانش در اغلب موارد مفید و در مواقعی مهم و ضروری به نظر می‌رسید. درباره فنون انجام این هنر، و نیز درباره صنعتگران مشهور و آثارشان، تحقیقات مهم و وسیعی توسط افرادی متعدد در زمینه‌های گوناگون صورت گرفته است. مثلاً در زمینه فارسی، قاضی احمد (خطاط و نقاش)، اطلاعاتی در زمینه شیوه‌ها و فنون و زندگی‌نامه این هنرمندان جمع‌آوری کرده است. در این فصل جنبه‌های مختلف این هنر مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله: ۱. جنبه‌های تزئینی ۲. جنبه‌های مذهبی ۳. سلسله مراتب ۴. جنبه‌های عملی. البته به جز دنیای اسلام، در ممالک دیگر نیز هنر تذهیب بر روی نسخ خطی صورت می‌گرفته است و بین هنر تزئین نسخ و هنرهای دیگر مانند سرامیک، نساجی، مجسمه‌سازی و ... ارتباط چشمگیری وجود داشته است.

در نسخ خطی تذهیب شده عربی به عناصر تزئینی متنوع و چشم‌نوازی برمی‌خوریم که البته زمان و مکان انجام آن مشخص نیست. هرچند، اسناد و مدارکی که امروزه برای بررسی شیوه تزئین نسخ خطی جمع‌آوری شده، متعلق به نخستین قرون هجری است و می‌توان گفت که منحصرأ از بین نسخ خطی قرآنی برگزیده شده است، لیکن کاربرد هنر تذهیب در نسخ غیر قرآنی منتفی نمی‌باشد. در نتیجه در این فصل هم در مورد تذهیب و تزئین نسخ خطی غیر قرآنی و هم درباره تزئین‌های دیگری چون کادربندی و حاشیه‌گذاری متون توضیحاتی داده شده است. برای مثال، یکی از نمونه‌هایی که حاشیه‌بندی دارد، یک نسخه خطی مغولی است به نام *مثنویات ظفرخان* که در قرون ۱۱ یا ۱۷ میلادی رونویسی شده است. غالب طرح‌های تذهیبی به کار رفته در نسخ متعدد قرآنی از طرح‌های هندسی الهام گرفته‌اند. مثلاً در این نسخه‌ها ما به مجموعه‌ای از دایره‌ها، مثلث‌ها و مربع‌های رنگی که سوره‌ها را از هم تفکیک می‌کنند، برمی‌خوریم. به جز طرح‌هایی که برای تزئین نسخ استفاده می‌شد، کاغذهایی هم بودند که خودشان تزئینی بوده‌اند و برای رونویسی نسخ به کار می‌رفتند؛ مانند کاغذهای سایه‌نما، کاغذهای رگه‌دار و کاغذهای خالدار طلائی.

## فصل نهم: صحافی (مجلد کردن)

صحافی یا جلد شدن کتاب، آخرین مرحله تهیه یک کتاب است. حتی در زمان‌های قدیم که نسخ به صورت کدکس بوده‌اند. البته این امر در آن دوران با فنون و شیوه‌های خاص آن زمان صورت می‌گرفت؛ هر چند تمامی نسخ، صحافی و جلد نمی‌شدند.

اگر بخواهیم توضیحی کلی در مورد صحافی نسخ قدیمی بدهیم، باید بگوییم که این کار در قدیم اهمیت خاصی داشته است و در نهایت این که عدم آگاهی از تاریخچه صحافی و مجلدسازی در دنیای اسلام، باعث می‌شود که درباره نسخ خطی و چگونگی کشفشان نتوان

بایگانی شده، به دست آمده‌اند. با این وجود، تحقیق کردن در مورد چگونگی کار ساخت کتاب و تاریخچه آن در دنیای اسلام، نزد محققان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است.

آن چه به نظر می‌رسد این است که افراد زیادی از جمله زنان، متخصصان و نیز افراد مبتدی به این کار مبادرت می‌ورزیدند؛ البته هدف غالب آنها از انجام این کار امرار معاش بوده است. در محل‌های کوچک و بزرگی که به آن آتلیه یا به معنای واقعی کلمه، کارگاه اطلاق می‌شد، افراد زیادی به طور فشرده، جمع می‌شدند و به کار نسخه‌برداری می‌پرداختند.

از جمله کارگاهی در زمان امویان که ۱۷۰ زن را در خود جای داده بود و کارشان رونویسی کردن نسخ قرآن به خط کوفی بود. از جمله مکان‌های دیگری که در آن‌جا به این امر مبادرت می‌ورزیدند، می‌توان کتابخانه‌ها، مدارس، مساجد و دیگر مکان‌های مقدس را نام برد. در این فصل به توضیح درباره عامل سرعت عمل در امر رونویسی با ذکر عناوین نسخ خطی همراه با نام رونویسان و ذکر طول مدت انجام این کار و نیز مقدار صفحات رونویسی شده پرداخته شده است. کار نسخه‌نویسی هم به صورت جمعی و گروهی بود و هم به صورت انفرادی؛ تمام افرادی هم که به استنساخ مبادرت می‌ورزیدند عالم و فرهیخته نبوده‌اند، بلکه حتی می‌توان گفت اکثر آنها بی‌سواد هم بوده‌اند. در نتیجه واضح است که چه اشتباهاتی می‌توانست باعث بی‌اعتبار شدن نسخ خطی بشود.

## فصل هفتم: اهداف و شیوه‌های شناخت خطوط کهن

در این فصل ما با اهداف و شیوه‌های شناخت خطوط کهن آشنا می‌شویم. البته در این میان نباید شیوه شناخت تجربی نوشتارها را فراموش کرد. نویسنده معتقد است که برای رمزگشایی و خواندن نسخ خطی آگاهی داشتن از تکنیک‌های بسیار پیشرفته الزام‌آور نمی‌باشد. به خصوص که شیوه عمل نسخه‌نویسان دنیای عرب و مسلمان پیچیده و مبهم به نظر نمی‌رسد؛ روش مورد استفاده آنها برای نوشته‌های کوتاه و اختصاری بسیار معمولی بوده و در واقع بیشتر به حواشی و پیرامون متن می‌پرداختند. هر چند تکامل و پیشرفت خطوط نوشتاری، خواندن نسخ خطی را سهل و آسان نموده است.

در این فصل همچنین در مورد خط کتابت عربی، مشکلات و مسائلی که در مورد این خط با آن روبه‌رو بودند، مطالبی آمده است.

## فصل هشتم: تزئین نسخ

در این فصل با هنر تزئین کتاب و نسخ و اهداف و شیوه‌های این کار و نیز اهمیت این موضوع در مکتوب‌شناسی آشنا می‌شویم. تزئین نسخ، قبل از ظهور دین اسلام، در دنیا به خوبی جا افتاده و انجام می‌شده است. استفاده

قضاوت بهتر و مفیدی داشت.

مسلمانان سه روش را برای مجلد کردن نسخ به کار می‌بردند؛ هر چند بیشتر از نوع سوم استفاده می‌شد؛ یعنی جلدی که دورتادور کتاب را دربر گرفته بود. البته یک طرف جلد برای باز کردن و استفاده از کتاب چسبانده نمی‌شد ولی در صورت عدم استفاده از کتاب، روی قسمت بیرونی را که لبه‌های اوراق قرار داشتند، می‌پوشاند. قدیمی‌ترین طرح جلد کتاب به این صورت بوده که صفحات نسخ از سمت بالا، شیرازه‌بندی می‌شدند و جلد زیرین دارای بندی بوده که در حلقه‌ای که لبه جلد رویی تعبیه شده بود، داخل می‌شد و دو طرف بند را به هم گره می‌زدند. از جمله مواد مورد استفاده برای جلد نسخه‌ها، چوب بوده که به صورت ورقه‌هایی با ضخامت‌های مختلف و اندازه‌های گوناگون درست می‌کردند. البته از مواد دیگری چون پایروس، صفحات فلزی، ورقه‌های ساخته شده از پولک یا صدف و پشم هم برای ساخت جلد نسخ استفاده می‌شده است. به جز جلد، از جمله چیزهایی که افراد برای محافظت از نسخه‌ها در دوران قدیم استفاده می‌کردند، لفافه‌هایی از جنس چرم بوده که البته مسلمانان آن را بیشتر از چرم بز، گوسفند و گوساله درست می‌کردند. البته لفافه‌های دیگری از جنس پارشمن، کاغذ، الیاف و فلزات هم وجود داشته است.

در این فصل هم چنین در مورد شیوه برش و دوختن لفافه‌ها و مهرکوبی - جهت چاپ نام و شماره کتاب و فنون دیگری که برای تزئین کتب به کار می‌رفته مانند: کنده کاری، قلم‌زنی، نقوش برجسته بر روی ریسمان و گل دوزی روی جلد نسخ، مطلقاً کاری و صیقل کاری و استفاده از روغن جلا جهت براق کردن - توضیحاتی داده شده است.

### فصل دهم: تاریخچه رونویسی کردن نسخه‌های خطی

در طول خواندن یک اثر، خواننده می‌تواند با دقت و توجه به اوراقی که روی آنها نوشته شده و با بررسی انواع نسخه‌ها و نوع خطی که برای نگارش به کار رفته، با آن اثر همسو شده و قدمت و تاریخ نگارش نسخه خطی را حدس بزند.

در صفحه عنوان نسخه‌های خطی عربی، گاه نام نویسنده ذکر شده و در مواردی هم نشده. ولی به هر صورت اطلاعاتی که در این صفحه آمده می‌تواند راهنمای خوبی برای تحقیق بر روی تاریخچه نسخه‌های خطی برای محققان باشد. البته لازم به ذکر است که نسخه‌های خطی قرآنی فاقد صفحه عنوان می‌باشند.

تاریخ ذکر شده در نسخه‌های خطی بدون ذکر روز و ماه و فقط سال نسخه‌نویسی می‌باشد؛ البته در نسخ خطی عربی تاریخ ذکر شده به تاریخ هجری است و در نسخ خطی غیرعربی تاریخ‌های دیگری آورده شده است؛ برای نمونه در نسخه‌های خطی مصر، تاریخ خلقت عالم یا

آدم مینا قرار داده شده؛ که گفته شده مصادف است با اول سپتامبر سال ۵۵۰۹ قبل از میلاد مسیح و یا مبدأ تاریخ اسکندر که مقارن است با اول اکتبر سال ۳۱۲ قبل از میلاد مسیح. برای نسخ خطی ایرانی نیز از تاریخ یزدگرد که مصادف است با ۱۶ ژوئن ۶۳۲ میلادی و سپس مبدأ تاریخ جلالیه که از ۱۵ مارس ۱۰۷۹ میلادی شروع می‌شود، استفاده شده است. قابل ذکر است که به غیر از نسخه‌نویسان، نقاشان و تذهیب‌کاران نیز آثارشان را با ذکر تاریخ امضاء می‌کردند. البته تمامی این افراد مهر مخصوص به خود داشتند که به اشکال گوناگون و از جنس فلز یا چوب بوده و کلمات روی آن نیز به دلخواه افراد حک می‌شد. مثلاً روی بعضی از مهرها به جز نام خالق اثر، تاریخ نگارش و یا حتی یک بیت شعر و بعضی اوقات القاب افراد نیز حک می‌شد. مثلاً روی تمامی نسخ خطی کتابخانه رشیدالدین در تبریز، این جمله با مهر کتابخانه و با جوهر سیاه چاپ شده است: «وقف کتابخانه رشیدیّه». استفاده از مهر در کشور هند نیز قدمتی دیرینه دارد که البته آنها نیز فرمول خاص خودشان را داشتند. مثلاً به جز بعضی از مشخصات، نام خدمتگزار شاه هم تحت عنوان «فدوی شاه» روی مهر حک شده بود.

### فصل یازدهم: تاریخچه اصول مکتوب‌شناسی

در فصل آخر این کتاب، به رویکرد و نگرش تئوریک بحث مکتوب‌شناسی و حوزه کاربرد و استفاده از این دانش پرداخته شده است. این کار از طریق گردآوری اطلاعاتی در مورد گردش و جابه‌جایی آثاری که یک قرن از خلقتشان گذشته است و نیز در حد امکان باز یافتن هویت افرادی که سلسله‌وار صاحب و دارنده یک نسخه خطی و یا یک مجموعه آثار بوده‌اند، صورت گرفته است. البته در کنار آن تحقیق درباره مبدأ خلق این آثار و یا مبدأ نگهداری آنها هم انجام می‌گیرد.

تحقیق بر روی نسخ خطی مشرق زمین، به ویژه نسخ خطی عربی، فارسی و ترک که یا متعلق به کتابخانه‌های عمومی بوده‌اند و یا کتابخانه‌های شخصی که بیشتر در مشرق زمین نگهداری می‌شدند، تادر مغرب زمین، در زمینه شناخت مسائلی که ذکر شد گریزناپذیر است.

حوزه شناخت این تاریخچه بسیار وسیع می‌باشد و از آن‌جا که نسخ خطی قابل توجهی از مشرق زمین که در اروپا نگهداری می‌شدند، دارای ویژگی و ماهیت خاصی می‌باشند. در نتیجه برای شناخت تاریخچه آنها باید از فنون و راهکارهای خاصی سود جست.

در پایان این فصل هم چنین در مورد ویژگی نسخ خطی شرقی توضیح داده شده است. ضمن این که یادآوری شده که چگونه می‌توان در مورد تاریخچه نسخ خطی مشرق زمین تحقیق کرد؛ البته با توضیح روشن این کار و لزوم آشنایی با عناصر قابل توجهی که در نسخ خطی قرون کهن به کار رفته است.